**آخرین پیامبر و حضور در انسانیت قدسی**

**باسمه تعالی**

«فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا، وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ يَوْمَ يَجْمَعُكُمْ لِيَوْمِ الْجَمْعِ، ذَلِكَ يَوْمُ التَّغَابُنِ، وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا، ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ»(تغابن/آیات 8 و9)

1- **ما و سلوکی خاص:** در راستای درک شخصیت و سیره رسول خدا«صلی‌الله‌علیه‌وآله» باید گفت بعضی مواقع سخن‌ها یا از اثر می‌افتند و یا شرایط طوری است که افراد به سخن‌ها گوش نمی‌سپارند، و از این جهت دعوتِ بی‌صدا مکمل دعوتِ با صدا می‌شود و رسول خدا«صلی‌الله‌علیه‌وآله» در کنار قرآن با شخصیت خاص خود که متذکر انسانیتِ انسان‌ها می‌باشند با ما سخن‌ها می‌گویند و وجدان‌های بیدار از درون خود با نظر به سیره و گفتار پیامبر خدا سخن‌های عمیقی را می‌شنوند که معنای بودن آن‌ها است، همان‌طور که زبان رسول خدا«صلی‌الله‌علیه‌وآله» زبان جان‌ها می‌باشد.

2- با توجه به نکته فوق حال مائیم و پیامبر خدا«صلی‌الله‌علیه‌وآله» و انسان‌های این دوران و شرایطی که شرایط آگاهی‌های فراوان است، با حضوری که با کلمات اشاره‌گونه و زبان خاصی برای انسان‌های این دوران حاصل می‌شود. با توجه به این امر می‌توان به انسان‌هایی فکر کرد که با وجدان تاریخی آخرالزمانیِ خود از سکوت و سیره انسان‌های الهی در عین حضور خاصی که از آن‌ها به ظهور می‌آید، سخن‌ها می‌شنوند که نمونه کامل چنین انسان‌هایی رسول خدا«صلی‌الله‌علیه‌وآله» می‌باشند که نظرها را به انسانیت انسان‌ها می‌اندازند، نسبت به آینده‌ای که از طریق تاریخی که با اسلام شروع شد، انسان معنای آخرالزمانی و نهایی خود را می‌تواند درک کند، در شرایطی که مردم فراموش می‌کنند چگونه باید خود را فهم کنند و در این راستا رسول خدا«صلی‌الله‌علیه‌وآله» به ما یاد دادند. ما باید روش‌ها و سلوکی داشته باشیم که فرهنگ جاهلیت دوران نتوانند مردم را از فهم توحیدی‌شان غافل کند، از این جهت باید به سیره و سلوک رسول خدا«صلی‌الله‌علیه‌وآله» فکر کرد.

**احساس انسانیتِ خود در نسبت با رسول خدا**«صلی‌الله‌علیه‌وآله»

 3- پیامبر خدا«صلی‌الله‌علیه‌وآله» به ما نشان دادند که عالم انسانی، ظهورات خاصی به سوی هرچه بیشتر انسان‌شدن دارد و اگر انسان از این نحوه حضور غفلت کند گرفتار اراده‌های ضعیف و امیال سطحی می‌شود و اراده‌های ضعیف ارزش‌های ضعیف خلق می‌کنند. مگر نه آن است که آن کس که با نیروی نظامی قدرت‌نمایی می‌کند، ضعف خود را در هرچه بیشتر برای انسان‌شدن پنهان می‌کند؟ مگر جز این است که رسول خدا«صلی‌الله‌علیه‌وآله» در زمانه خود و در مقابل ابوسفیان و جبهه جاهلیت نشان دادند با انسانیت انسان‌ها و درخشیدن در دل‌ها، قدرتمندتر از جبهه جاهلیت دوران بودند؟ از آن مهم‌تر کدام‌یک از آن دو جبهه بیشتر انسانیت خود را در عالم انسانی‌شان که همان اتصال و انس‌شان بود با خدا، احساس می‌کردند؟ ما هرکس می‌خواهیم باشیم، به عنوان انسان، روحی هستیم که با وسعت‌دادن به انسانیت خود که همان ارتباط وجودی ما با خداوند است، می‌توانیم از پوچی که تهی‌شدن انسان است از معنای انسانیت، رهایی یابیم و غفلت از حضوری که با حضور ذیل شخصیت پیامبر خدا«صلی‌الله‌علیه‌وآله» در این دوران پیش می‌آید، موجب می‌شود به اموری اصالت و اهمیت دهیم که بیرون از جان ما می‌باشند، اموری که در شدت‌دادن به انسانیت و عبودیت ما نقشی ندارند و این عین سرگردانی و بی‌معناشدنِ انسان است.

4- خطر آن‌جا است که پیامبر خدا«صلی‌الله‌علیه‌وآله» را در نسبتی غیر از نسبتی که با انسانیت ما دارند و آینه حضور هرچه بیشتر ما در ما می‌توانند باشند، در نظر آوریم. در آن صورت نه‌تنها با خدا و با خود زندگی نکرده‌ایم بلکه زندگی را فراموش خواهیم کرد، به همان معنای پوچی و سرگردانی و تنهایی نسبت به خودمان که نه جای بیشترشدن در انسانیت قدسی، گرفتار تکرار زندگی ضعیفی خواهیم بود.

5- با نظر به شخصیت و سیره رسول خدا«صلی‌الله‌علیه‌وآله» معلوم می‌شود قدرت و قیمت فضائل انسانی انسان چه اندازه مهم است. و اگر به آهنگ موزون ایمان که از طریق رسول خدا«صلی‌الله‌علیه‌وآله» به صدا در آمد گوش فرا دهیم، ناخودآگاه آن ایمان را در خود نیز تکرار می‌کنیم. آهنگی که رسول خدا«صلی‌الله‌علیه‌وآله» به صدا در آوردند، آهنگِ ایمان و عفت و شجاعت و عزت است و اگربه آن آهنگ یعنی به ایمان به خدا توجه کنیم می‌یابیم ما چه اندازه در امروزمان به آن آهنگ نیازمندیم. ایمانی که نه‌تنها در مردان بلکه در زنانِ باریکه غزه به ظهور آمده و جهان را در حیرت فرو برده. آیا این حکایت ایمان محمدی«صلی‌الله‌علیه‌وآله» نیست که دیروز طومار امویان را در هم پیچید و امروز طومار صهیونیسم و استکبار را؟ والسلام